

Weaknesses and strengths of the lobbies of the Arab Gulf countries in the United States

Abstract

The decentralized and pluralistic nature of power in the United States has enabled a diverse range of ethnic lobbies to play a role and influence. Meanwhile, Arabs in the southern Persian Gulf have turned their attention to lobbying as a reliable tool in foreign policy and to influence decision-making and policy-making in the United States. The scope and dimensions of activism and influence of these lobbies have grown significantly in recent years. In this regard, the main question of the present study is "What are the strengths and weaknesses of the lobbies of the Arab countries in the Persian Gulf?" The findings of the article indicate that the Arab lobbies of the Persian Gulf adhere to pluralistic trends and mechanisms such as embassies, lobbies registered as foreign representatives, individual lobbyists, oil companies and advocacy. Mali has used American think tanks to achieve goals such as a two-state solution, economic goals and interests, to counter negative agendas in exchange for a positive image of themselves, and finally to confront Iran. The present study is of descriptive-analytical type and data collection has been done in a library method and referring to Internet sources.

Keywords: Persian Gulf Arab lobbies, influential groups, United States, Saudi Arabia, United Arab Emirates.

نقاط ضعف و قوت لابی‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در آمریکاعلیرضا مددی^۱حسین کریمی‌فرد^۲لنا عبدالخانی^۳شیوا جلال‌پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۲

چکیده

ماهیت غیرمتمرکز و تکثرگرایانه قدرت در ایالات متحده باعث گردیده که امکان نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری برای طیف متنوعی از لابی‌های قومی فراهم گردد. در این میان، توجه اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس به لابی‌گری به‌عنوان ابزاری قابل اتکا در حوزه سیاست خارجی و اعمال نفوذ بر روند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در ایالات متحده معطوف شده است. دامنه و ابعاد کنشگری و اعمال نفوذ لابی‌های مزبور در سال‌های اخیر از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. در همین ارتباط، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «نقاط ضعف و قوت لابی‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس کدامند؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که لابی‌های اعراب حاشیه خلیج فارس از روندهای پلورالیستی و سازوکارهایی چون سفارتخانه‌ها، لابی‌های ثبت‌شده به‌عنوان نمایندگان خارجی، لابی‌گران فردی، شرکت‌های نفتی و حملات مالی از لندیشکده‌های آمریکایی در راستای دستیابی به اهدافی مانند راه‌حل دودولتی، اهداف و منافع اقتصادی، مقابله با دستورکارهای منفی و در مقابل تصویرسازی مثبت از خود و در نهایت مقابله با ایران بهره‌گرفته‌اند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع اینترنتی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: لابی‌های عربی خلیج فارس، گروه‌های ذی‌نفوذ، ایالات متحده، عربستان، امارات متحده عربی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران، alireza.1400.madadi@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) With.policy@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، lenaabdolkhani1400@gmail.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران shiva_jalalpoor@yahoo.com

لابی‌های قومی متعددی از جمله یهودیان، ایرلندی‌ها، اسپانیایی‌ها، کوبایی‌ها، یونانی‌ها، اعراب و غیره بر مبنای مواضع فرهنگی، قومی، دینی یا نژادی شکل گرفته و در پی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا، در حمایت از موطن یا اقوامشان در خارج از کشور هستند. گروه‌های نژادی هم‌چون سایر گروه‌های ذی‌نفوذ، به سه شکل بر نهاد سیاسی فشار وارد می‌کنند؛ از طریق رأی، تأمین مالی انتخابات و لابی‌گری. قومیت‌ها با وجود جمعیت نندکشان بر سیاست خارجی اثر می‌گذارند، قادرند انتخاب نامزدهای لیالی را تغییر دهند و بر انتخابات ریاست‌جمهوری تأثیر بگذارند (موسوی و کدخدایی، ۱۳۹۰: ۳۰). در آغاز دهه ۱۹۷۰، نام بیش از هشتاد هزار فعال لابی در واشنگتن به ثبت رسیده بود که فعالیت بیشتر آنها بر مسائل داخلی متمرکز بود و اتفاق نظر وجود داشت که اعضای لابی از طریق ارتباطات شخصی و کمک‌های مالی به احزاب و سیاستمداران بر قوانین داخلی و مصوبات کنگره تأثیر اساسی دارند (استیری، ۱۳۸۰: ۴۵).

در میان لابی‌های اعراب نیز لابی‌های عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، بحرین، لیبی، مراکش و الجزایر به‌طور رسمی و غیررسمی در روند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی در ایالات متحده ایفای نقش می‌کنند. دامنه و ابعاد کنشگری و اعمال نفوذ لابی‌های اعراب در سال‌های اخیر از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. در این میان، لابی‌های کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌واسطه قدرت و توان اقتصادی بالای آنها، روابط استراتژیک آنها با ایالات متحده و مقامات رسمی و غیررسمی این کشور، ادراک و اشراف آنها نسبت به نقش بی‌بدیل لابی‌گری در شکل‌دهی به سیاست خاورمیانه‌ای امریکا و به‌ویژه گسترش روند تقابل‌گرایی سیاسی و هویتی آنها با جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این ارتباط، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که لابی‌های اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس از آغاز فعالیت خود تاکنون چه سازوکارها و اهدافی را تعقیب نموده‌اند؟ در این راستا، پس از ارائه ادبیات و چارچوب نظری پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، نخست جایگاه لابی‌های خارجی در سیاست خارجی امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به تشریح پیشینه و مختصات لابی‌گری اعراب در امریکا پرداخته و گام بعدی تلاش می‌گردد تا سازوکارها و اهداف لابی‌های اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس به تفصیل واکاوی شود. در نهایت، مقاله با جمع‌بندی مطالب و ارائه نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

ادبیات موضوع

مایکل بارد (۲۰۱۰) یکی از اولین پژوهش‌ها را در رابطه با لابی‌های اعراب به رشته تحریر درآورده و برخی اثر وی را واکنشی به کتاب معروف جان مرشایمر و استفن والت در رابطه با لابی آپیک در سیاست خارجی امریکا می‌داند. استدلال وی آن است که عربستان سعودی به‌عنوان قدرتمندترین عضو لابی عرب، در راستای وادار کردن تصمیم‌گیرندگان امریکایی به نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در این کشور، حمایت از تروریسم و مخالفت آنها با منافع امریکا طیف متنوعی از تاکتیک‌ها و ابزارها از جمله تهدید و رشوه را مورد استفاده قرار می‌دهد. دنیا خطیب (۲۰۱۶) نیز در اثر خود الگوهای لابی‌گری کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را تشریح نموده است. به عقیده وی، دلایلی چون وجود یک دیاسپورای عربی عمده در ایالات متحده، روابط راهبردی

دیرینه بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایالات متحده و در نهایت، رشد اقتصادی قابل تأمل کشورهای عربی خلیج فارس، لابی‌گری اعراب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. خلیل مرار (۲۰۰۹) نیز واکاوی نقش لابی عرب در سیاست خارجی آمریکا را مورد توجه قرار داده است. وی لابی‌گری اعراب را عامل مهمی در پذیرش راه‌حل دو دولت^۱ در داخل ایالات متحده در خصوص منازعه اعراب و اسرائیل دانسته است. جنیس تری (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود فراز مختصری را نیز به نقش و جایگاه لابی‌های طرفدار اعراب اختصاص داده است. به اعتقاد وی، دولت‌های عربی از طریق ارتباط مستقیم با سفارتخانه‌هایشان در واشینگتن می‌کوشند تا بر سیاست خارجی آمریکا تأثیر بگذارند. با وجود این، شکست آنها در هماهنگ نمودن تلاش‌های لابی کل نقش‌آفرینی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همیشه رهبران عرب متوجه پویایی نظام سیاسی آمریکا نمی‌شوند. افشاریان و جوادی‌ارجمند (۱۳۹۷) معتقدند که لابی‌های عربی با حمایت برخی از حکومت‌های خاورمیانه سعی در تشدید خصومت ایران و آمریکا دارند. در این راستا، برجسته‌سازی قدرت ایران برای برهم‌زدن نظم خاورمیانه از طریق تشدید و تداوم ایران‌هراسی در سیاست‌های آمریکا در کانون توجه قرار داشته است. سیمبر و همکاران (۱۳۹۷) نیز با بهره‌گیری از گزاره‌های نظری مکتب امنیتی کپنهاگ به بررسی و واکاوی نقش لابی سعودی در روند امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران پرداخته‌اند. نگارندگان این مقاله معتقدند که عربستان سعودی با بهره‌گیری از ظرفیت لابی‌گری در ایالات متحده آمریکا نقش مؤثری را در برساختگی بار امنیتی برنامه هسته‌ای ایران داشته و از این طریق تلاش کرده تا مانع از تدوین، انعقاد و اجرای برجام گردد. چنانچه واضح است هیچیک از آثار و نوشته‌های فوق به واکاوی سیر تحول سازوکارها و اهداف لابی‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نپرداخته‌اند. بر این مبنا، مقاله حاضر درصدد است با اتکا به گزاره‌های نظری و بررسی موردی الگوی رفتاری و سیاست‌های عملی هر یک از این کشور در حوزه لابی‌گری در ایالات متحده دریچه‌ای هرچند مقدماتی بر روی مباحثات گسترده‌تر در این زمینه بگشاید.

۱. چارچوب نظری

به‌طور کلی، لابی‌گری مشتمل بر طیف متنوعی از راهبردهاست که با هدف بازتعریف و بازطراحی سیاست‌ها سازمان‌دهی شده‌اند. این راهبردها در تلاش برای تأثیرگذاری بر یکی از دو هدف کلیدی حکومت و افکار عمومی می‌باشند (Rennie, 2016: 4). لابی‌گران با تکیه بر شهرت شخصی، روابط دوستانه و حتی تطمیع مالی، خواسته‌های خود را پیش می‌برند و البته طبیعی است که صاحبان سرمایه امکانات بیشتری برای لابی‌گری دارند. در انتخاب روش‌های لابی‌گری عناصر متعددی از قبیل ویژگی‌های نمایندگان، ویژگی‌های لابی‌ها از جمله اهداف، اطلاعات در دسترس، منابع مالی، تجربه و ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و میزان اهمیت آن دخیل‌اند. لابی‌گری به دو شکل صورت می‌گیرد: لابی‌گری غیرمستقیم^۲ یا خارجی^۳ که در آن سعی می‌شود تا با استفاده از رسانه‌های جمعی از جمله چاپ مقالات، تبلیغات، ارسال پست الکترونیکی و غیره و به‌طور کلی از طریق تغییر افکار عمومی، قوه قانونگذاری یا نهادهای دیگر را به‌شکل غیرمستقیم تحت تأثیر

1. two-state solution

2. Indirect lobbying

3. Outside Lobbying (Grassroots Lobbying)

قرار دهند. اما لابی‌گری به معنای خاص همان است که در اتاق‌ها و سالن‌های سرپسته و به شکل مستقیم^۱ و درونی^۲ در تماس با سیاستگذاران و به‌ویژه قانونگذاران صورت می‌گیرد و هدف آن، جلب نظر مساعد تک‌تک سیاستگذاران یا احزاب و فراکسیون‌های پارلمانی نسبت به طرح، لایحه و به‌طور کلی تصمیماتی است که در نهایت ممکن است فقط به نفع حامیان یا کل جامعه یا نهادها و جوامع محلی باشد (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴۲۶).

۲. لابی‌های خارجی و سیاست خارجی امریکا

یکی از مواردی که سازمان سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهد، پذیرش نقش لابی‌های فکری، قومی و مذهبی و نیز گروه‌های بانفوذ موسوم به گروه‌های فشار است (افشاریان و جوادی‌ارجمند، ۱۳۹۷: ۹). از این جهت می‌توان گفت ساختار قدرت در ایالات متحده از دو فاکتور تأثیر می‌پذیرد: اول، نشانه‌هایی از تفکیک قدرت که در آن بخش‌های مختلف یکدیگر را واری می‌کنند و دوم اینکه نظام سیاسی موکل مردم و اجتماعات است (Khatib, 2016: 4). فرایند سیاست‌گذاری خارجی در امریکا نیز به‌گونه‌ای است که از کنش و واکنش نهادهای مختلف امنیت ملی حاصل می‌شود. در نتیجه، لابی‌ها می‌کوشند به این نهادها نزدیک و با مقامات مسئول آنها ارتباط شخصی برقرار نموده و یا به شیوه‌ای دیگر بر ذهن و تصمیمات آنها تأثیر بگذارند. این نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه امنیت ملی عبارتند از: ریاست‌جمهوری، وزارت خارجه، وزارت دفاع، سیا، کنگره و شورای امنیت ملی (حسینی‌متین، ۱۳۹۱: ۲۳۷). قائل شدن به نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری لابی‌ها در روند سیاست‌گذاری در امریکا و تأثیر بر روندهای امنیتی در حوزه سیاست جهانی، برایندی از گسترش حوزه و قلمرو اعمال قدرت می‌باشد. بر این اساس، کانون‌های پنهان و ساختارهای غیررسمی قدرت و نفوذ در کنار محافل و مراکز رسمی، داخلی و بین‌المللی نقش مؤثری را در روند تأثیرگذاری بر سیاست‌های امنیتی بازیگران بین‌المللی و تعیین دستورکارهای سیاست جهانی دارند (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۱۲).

۳. گذاری بر پیشینه و مختصات لابی‌گری اعراب در امریکا

عربستان رسماً اعلام کرده که در سال ۲۰۱۶، ۱۵۰ میلیون دلار صرف لابی در سیاست و افکار عمومی آمریکا کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶). سعودی‌ها هم‌چنین به‌عنوان یک گام اساسی در مسیر سازمان‌دهی و قاعده‌مند نمودن روند تأثیرگذاری بر جریان سیاست‌گذاری در امریکا، لابی معروف به ساپراک^۳ را در این کشور ایجاد کرده‌اند. در سال ۲۰۰۹ نیز امارات متحده عربی، ۵/۳ میلیون دلار برای لابی‌گری در امریکا هزینه کرد (Lichtblau, 2011). قطر نیز به‌ویژه از زمان آغاز بحران در روابط خود با کشورهای عربی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای را به‌منظور شکل‌دهی به سیاست خارجی ایالات متحده انجام داده است. کشورهای بحرین، کویت و عمان نیز برای عقب‌نماندن از این قافله تلاش‌ها و اقدامات لابی‌گرا نه متعددی را در پیش گرفته‌اند.

1. Direct Lobbying

2. Insider Lobbying

3. The Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

تحلیل‌گران مختلف گروه‌های ذی‌نفوذ را به اشکال متنوعی تقسیم‌بندی کرده‌اند. گابریل آلموند^۱ و بینگهام پاول^۲ گروه‌های ذی‌نفوذ را به‌صورت زیر دسته‌بندی می‌کند: (۱) گروه‌های ذی‌نفوذ فردی:^۳ زمانی که فردی به‌واسطه قدرت و نفوذ زیاد بتواند نظرات خود را در خط‌مشی‌گذاری اعمال کند، در واقع نقش گروه ذی‌نفوذ را ایفا نموده است. گروه‌های ذی‌نفوذ فردی غالباً افراد ثروتمند و صاحب جایگاه در دستگاه حکومتی تشکیل می‌دهند؛ (۲) گروه‌های ذی‌نفوذ بی‌هنجار:^۴ گروه‌های کم و بیش خودجوشی هستند که وقتی افراد بسیاری در برابر ناکامی، نومییدی و دیگر هیجانات عاطفی نیرومند واکنش مشابهی از خود نشان می‌دهند، به ناگاه تشکیل می‌شوند؛ (۳) گروه‌های بی‌انجمن:^۵ این گروه‌ها نیز مانند گروه‌های بی‌هنجار به‌ندرت سازمان‌یافته‌اند و فعالیت‌شان نیز مقطعی و پراکنده است. وجه تمایز آنها از گروه‌های بی‌هنجار، وجه مشترکی است که از لحاظ قومیت، منطقه، مذهب، حرفه و خویشاوندی در میان اعضای آن وجود دارد؛ (۴) گروه‌های نهادینه:^۶ احزاب سیاسی، شرکت‌های تجاری، مجالس قانونگذاری، ارتش‌ها، بوروکراسی‌ها و نهادهای مذهبی، نمونه‌هایی از گروه‌های نهادینه هستند. این گروه‌های رسمی بوده و دارای جایگاه و وظایف قانونی در سطح جامعه می‌باشند؛ (۵) گروه‌های انجمنی:^۷ گروه‌های مزبور آشکارا برای آن تشکیل شده‌اند که نماینده و حافظ منافع گروه خاصی باشند. گروه‌های ذی‌نفوذ انجمنی در جوامع دموکراتیک نقش مهمی ایفا می‌کنند (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۰). در این قلب تحلیلی می‌توان سازوکارهای لابی‌گری اعراب حاشیه خلیج فارس در ایالات متحده را مورد بررسی قرار داد. تأملی مقدماتی در روش‌های مورد استفاده لابی‌مزبور نشان‌گر به‌کارگیری طیف متنوعی از فعالیت‌های لابی‌گرانه می‌باشد. ذیلاً به تشریح اصلی‌ترین این سازوکارها و روش‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. بهره‌گیری از سفارتخانه‌ها به‌منظور لابی‌گری

به‌طور سنتی، دولت‌های عربی از طریق ارتباط مستقیم با سفارتخانه‌هایشان در واشنگتن می‌کوشیدند تا بر سیاست خارجی آمریکا تأثیر بگذارند. با وجود این، شکست آنها در هماهنگ نمودن تلاش‌های لابی‌کل نقش‌آفرینی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همیشه رهبران متوجه پویایی نظام سیاسی آمریکا نمی‌شدند. در دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی بسیاری از مقامات عرب فکر می‌کردند که لابی‌گری امری غیرقانونی محسوب می‌شود و تمامی تلاش‌ها صرفاً باید از کانال دیپلماتیک انجام شود (تری، ۱۳۸۸: ۷۳). با این حال و به‌رغم سازمان‌دهی و تجدید سازمان فعالیت‌های لابی‌گرانه کشورهای عربی در واشنگتن، سفارتخانه‌ها هم‌چنان به‌عنوان یکی از ارکان و مجاری اصلی لابی‌گری اعراب محسوب می‌شوند.

به‌طور کلی، لابی‌های مزبور به‌رغم وجود تنوعی از مجاری لابی‌گری عمدتاً در ارتباط با حکومت‌های مرکزی این کشورها عمل می‌کنند؛ جدول شماره ۱، مجاری و نهادهای لابی‌گری قطر را نشان می‌دهد که وجه تشابه تمامی آنها وابستگی به خاندان آل‌ثانی می‌باشد

1. Gabriel Almond

2. Bingham Powell

3. Individual Interest Groups

4. Anomic Interest Groups

5. Nonassociational Interest Groups

6. Institutional Interest Groups

7. Associational Interest Groups

مجرای لابی‌گری	هزینه لابی‌گری (دلار)
حکومت قطر	۱۰/۲۷۵/۶۸۰
هولدینگ برزان ^۱	۵۸۵/۳۳۴
اداره گردشگری قطر ^۲	۲۴۰/۴۹۴
بنیاد آموزش بالاتر از همه ^۳	۴۰/۲۹۱
حسن علی بن علی ^۴	۱۵/۰۰۰

جدول ۱) هزینه‌های لابی‌های حکومتی و غیرحکومتی قطر (Open Secrets, 2018).

۴-۲. لابی‌گری از طریق لابی‌های ثبت‌شده به‌عنوان نمایندگان خارجی

افراد و شرکت‌های ثبت‌شده به‌عنوان نمایندگان خارجی^۵ نیز بخش دیگری از سازوکارهای لابی‌گرانه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عربستان سعودی بنگاه‌های لابی پتون بوگز^۶ و کورویس^۷ را در ازای پرداخت ۱۴ میلیون دلار به استخدام درآورد. از سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی تعداد کارگزاری‌های خارجی خود در ایالات متحده را از ۲۵ لابی ثبت‌شده به ۱۴۵ افزایش داد. هزینه پادشاهی سعودی در این سال برای تأثیرگذاری بر حکومت ایالات متحده بیش از ۱۸ میلیون دلار برآورد شده است (Fang, 2017). به‌موجب اسناد و مدارک مربوط به گروه‌های لابی‌گر، از سال ۲۰۱۶ تاکنون بیش از ۲۰۰ تن به‌عنوان عامل یا مأمور تأمین منافع سعودی در آمریکا ثبت شده‌اند. برخی از سرشناس‌ترین چهره‌های روابط عمومی در واشنگتن مانند گروه مک‌کئون^۸، گروه بی‌جی‌آر^۹ از شرکت‌هایی که توسط باربور، گریفیث و راجرز^{۱۰} از جمهوری خواهان سرشناس تأسیس شده است و گروه پودستا^{۱۱} تحت ریاست تونی پودستا^{۱۲} لابی‌گر معروف حزب دموکرات که البته امروز برجیده شده است، از جمله این فهرست بوده‌اند. سعودی‌ها در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۸ میلیون دلار به کارگزاری‌های خارجی که به نمایندگی از منافع عربستان اقدام کرده‌اند، پرداخته‌اند. یکی از شرکت‌های مورد علاقه سعودی‌ها از زمان روی کار آمدن ترامپ، گروه سیاسی سونوران^{۱۳} بوده که توسط رابرت استریک^{۱۴} مشاور تبلیغاتی ترامپ تأسیس گردید. حدود ۵/۵ میلیون دلار از سوی وزارت داخله عربستان سعودی برای خدمات مشاوره‌ای به این شرکت پرداخت شده است (Open Secrets, 2018). طبق این گزارش، ارتباط میان مؤسسه هوگان لولز^{۱۵} و سفارت عربستان سعودی، ارتباطی ده ساله است. بر اساس

۱. Barzan Holdings (در سال ۲۰۱۸ توسط وزارت دفاع قطر ایجاد گردید)

۲. Qatar Tourism Authority

۳. Education Above All Foundation

۴. Hassan Ali Bin Ali

۵. Individuals and Firms Registered as Foreign Agents

۶. Patton Boggs

۷. Qorvis

۸. McKeon

۹. BGR Group

۱۰. Barbour, Griffith & Rogers

۱۱. Podesta Group

۱۲. Tony Podesta

۱۳. Sonoran Policy Group

۱۴. Robert Stryk

۱۵. Hogan Lovells

تفاهم‌نامه منعقد شده بین این مؤسسه و سفارت عربستان به تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۴، این سفارت، در سال ۲۰۱۴، مبلغ ۱۸۰ هزار دلار به صورت ماهیانه به این مؤسسه پرداخت می‌کند. این مبلغ در سال ۲۰۱۳ حدود ۵۰ هزار دلار بوده است. گزارش اخیر مرکز غیرانتفاعی سیاست بین‌الملل^۱ نیز نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۸ عملیات اعمال نفوذ امارات، ۲۰ شرکت امریکایی را درگیر کرده و حدود ۲۰ میلیون دلار در این راستا هزینه شده است (Al Jazeera News, 2019). امارات متحده عربی از شرکت گروه هاربر^۲ به منظور لابی‌گری و دستیابی به اهداف و منافع خود واشنگتن بهره می‌گیرد (Lazare, Dec 2019). مهم‌ترین شرکت لابی‌گر بحرین در واشنگتن، ارتباطات کوروویس^۳ است. این شرکت از سال ۲۰۱۰ جایگزین شرکت بل پوتینجر^۴ شده است که امور لابی‌گری بحرین در واشنگتن را انجام می‌داد (Syed and Ross, 2012). سفارت بحرین در واشنگتن نیز در سال ۲۰۱۸ قراردادی ۱۱۰ میلیون دلاری با شرکت لابی «میلر و چولیر چارتر»^۵ به امضا رسانده است (Meyer and Levine, 2018). چیس آنترمیر،^۶ سفیر سابق ایالات متحده در قطر، به‌عنوان کارگزار خارجی به نمایندگی از حکومت قطر ثبت‌نام کرده است. نامبرده روابط عمیقی با خانواده بوش دارد (Meyer, 2019a). کویتی‌ها نیز عمدتاً از طریق شرکت سرمایه‌گذاری کی.جی.ال.^۷ و صندوق سرمایه‌گذاری که آن را مدیریت می‌کند، اهداف لابی‌گرانه خود را تعقیب نموده‌اند (Meyer, 2019b).

۳-۴. بهره‌گیری از لابی‌گران فردی در ایالات متحده

باب لیوینگستون،^۸ تونی پادستا،^۹ تویی مافت،^{۱۰} کلارک کلیفورد، فرد دالتون^{۱۱}، در زمره اصلی‌ترین لابی‌گران فردی^{۱۲} اعراب حاشیه خلیج فارس محسوب می‌شوند. جان بیتس^{۱۳} مشاور ارشد سابق شرکت مت‌پولیس^{۱۴} در حال حاضر مشاور دولت بحرین است. هنگامی که سناتور مایک لی،^{۱۵} کریس مورفی^{۱۶} و برنی سندرز^{۱۷} مصوبه خروج نیروهای ایالات متحده از مناقشه یمن را در سال ۲۰۱۸ ارائه دادند، نهادهای لابی‌گر عربستان سعودی و امارات در راستای توقف این لایحه فعالانه شروع به تماس با نخبگان حکومتی، رسانه‌ها و اتاق‌های فکر نمودند. بر اساس یافته‌های قانون ثبت کارگزاری‌های خارجی،^{۱۸} از زمان پیشنهاد این لایحه در ۲۸ فوریه ۲۰۱۸ تا زمان رأی‌دهی به آن در ۲۰ مارس، لابی‌گران سعودی و امارات بیش از ۱۰۰ مرتبه با دفاتر سناتورهای تماس گرفتند. لابی‌گران سعودی چند روز قبل از رأی‌گیری جلساتی با دفاتر کلیدی مجلس سنا، از جمله دفتر کاترین

1. the Center for International Policy (CIP)

2. Harbour Group

3. Qorvis Communications

4. Bell Pottinger

5. Miller & Chevalier Chartered

6. Chase Untermeyer

7. KGL

8. Bob Livingston

9. Anthony T. Podesta

10. Anthony John "Toby" Moffett

11. Freddie Dalton

12. Individual Lobbyist

13. John Yates

14. the Met Police

15. Mike Lee

16. Chris Murphy

17. Bernie Sanders

18. The Foreign Agents Registration Act (FARA)

کورتیز ماتئو و کریس کونز^۱ داشتند و لابی‌گران امارات متحده عربی نیز جلسه‌ای میان سناتور تام کاتن^۲ و شاهزاده اماراتی را تنها چند روز قبل از پیشنهاد این لایحه ترتیب دادند. در نهایت، سه تن از این سناتورها به تداوم حمایت نظامی ایالات متحده از سعودی‌ها و امارات در یمین رأی دادند (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۳/۱۲/۰۶).

۴-۴. لابی‌گری از طریق شرکت‌های نفتی

شرکت ملی نفت آرامکو سعودی^۳ به‌عنوان بزرگترین شرکت نفتی در جهان، یکی از مجاری عمده لابی‌گری سعودی‌ها محسوب می‌شود. با درآمد خالص ۱۱۱ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۸، آرامکو سودآورترین شرکت جهان بوده است (Reuters, 2019; Reed, 2019). پادشاهی سعودی برای تأمین هزینه‌های اجتماعی و نظامی خود به این شرکت وابسته است. آرامکو ۵۰ درصد سود خود را به‌عنوان مالیات بر درآمد پرداخت می‌کند (Blas and et al, 2019). ایجاد شرکت آرامکو در سال ۱۹۷۰ توانست نگاهی مثبت نسبت به اعراب در جامعه آمریکا ایجاد کند. طبق اعلام وزارت دادگستری آمریکا، شرکت آرامکو در سال ۲۰۱۷ حدود ۵۴۹ هزار دلار به‌منظور لابی‌گری در آمریکا هزینه کرده است (Open Secrets, 2017). جدول شماره ۲، سهم و جایگاه شرکت آرامکو سعودی در میان فعالیت‌های لابی‌گری عربستان را نشان می‌دهد. نکته قابل تأمل دیگر در این جدول، نسبت هزینه‌های لابی‌های حکومتی و غیرحکومتی عربستان سعودی می‌باشد. بر این مبنا، حکومت سعودی در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۴ میلیون دلار به‌منظور لابی‌گری در ایالات متحده هزینه کرده در حالی که مجموع هزینه‌های بخش غیرحکومتی سعودی بالغ بر ۵ میلیون دلار است.

مجرای لابی‌گری	هزینه لابی‌گری (دلار)
حکومت عربستان سعودی	۳۳/۶۶۶/۱۶۰
آرامکو سعودی	۱/۶۹۲/۱۲۳
Kingdom 5-KR-215 Ltd	۱/۱۲۵/۰۰۰
شهر ملک عبدالله برای انرژی‌های اتمی و تجدیدپذیر	۹۴۶/۲۵۲
دانشگاه علوم و فناوری ملک عبدالله	۳۸۱/۳۵۷

جدول ۲) هزینه‌های لابی‌های حکومتی و غیرحکومتی عربستان سعودی (Open Secrets, 2018).

۴-۵. تأثیرگذاری بر اتاق‌های فکر و اندیشکده‌های مؤثر بر سیاست خارجی آمریکا

حمایت مالی از اندیشکده‌های مختلف در سراسر واشنگتن بخش مهمی از دستورکار لابی‌گری کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. این کشورها با تزریق پول به اندیشکده‌های آمریکایی، سیاست‌های خود

1. Chris Coons

2. Tom Cotton

3. Saudi Aramco

را از طریق این اندیشکده‌ها تئوریزه می‌کنند. مؤسساتی چون «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی»^۱، «مؤسسه بروکینگز»^۲، «شورای آتلانتیک»^۳ و «مؤسسه خاورمیانه»^۴ در کانون توجه لابی‌های مزبور قرار داشته‌اند. یکی از مراکزی که از عربستان سعودی مبالغ هنگفتی دریافت کرده مؤسسه خاورمیانه است که خود را به‌عنوان «یک منبع بی‌طرف اطلاع‌رسانی و ارلئه تحلیل در این منطقه مهم و حیاتی» معرفی می‌کند. ریچارد کلارک^۵ در مقام ریاست این تشکیلات، در دوران ریاست‌جمهوری رونالد ریگان، جرج بوش و بیل کلینتون، مناصب ارشد امنیتی داشت. این اندیشکده در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار تا چهار میلیون دلار از سعودی‌ها پول دریافت کرد. مؤسسه خاورمیانه در سال ۱۷-۲۰۱۶، ۲۰ میلیون دلار نیز از امارات دریافت کرده است. نمایندگان خارجی امارات با بیش از ۲۰۰ دفتر با کنگره و ۱۸ مرکز پژوهشی و با بیشتر رسانه‌های اصلی در ارتباط بوده و کانال‌های ارتباطی بزرگی را میان نمایندگان خارجی امارات و مراکز فکری تحت حمایت مالی ابوظبی ایجاد کردند. حدود ۶۰۰ هزار دلار برای برنامه‌های این شرکت و نمایندگان خارجی آنها هزینه شد و این امر در موفقیت لابی امارات در جهت‌دهی به سیاست خارجه آمریکا نقش به‌سزایی داشته است (Ahmed, Oct 2019).

۵. روند تحول و تکامل اهداف لابی‌های عربی حاشیه خلیج فارس در آمریکا

در ادامه تلاش می‌شود تا اصلی‌ترین اهداف و دستورکارهای لابی‌های مزبور در گذر زمان مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱. غیریت‌سازی در برابر اسرائیل

تلاش کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای لابی‌گری در آمریکا به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی باز می‌گردد. در دهه ۵۰، پادشاه عربستان از تعدادی از دیپلمات‌های امریکایی خواسته بود در برابر لابی اسرائیل، لابی عربی تشکیل دهند (Scholten, 2017: 23). تشکیل لابی عرب در آمریکا پس از جنگ ۱۹۶۷ و به‌ویژه متعاقب جنگ ۱۹۷۳، اعراب را به این نتیجه رهنمون ساخت که برای خنثی کردن لابی اسرائیل در آمریکا باید با این کشور (آمریکا) لابی کنند. هدف از ایجاد این لابی، دفاع از مواضع عربی بر سر قضیه فلسطین و متقاعد کردن هیأت حاکمه آمریکا برای همراهی با آن بود (طباره، ۱۳۸۹). از این‌رو، لابی عرب در سال‌های نخست فعالیت خود بنابر ملاحظات ایدئولوژیک، روند غیریت‌سازی را در قالب دگر اسرائیل تعریف می‌کرد.

۵-۲. دفاع از راه‌حل دو دولت در مناقشه اسرائیل - فلسطین

در ملاقاتی که در اواخر مارس ۲۰۱۸ میان بن‌سلمان و رهبران یهودی در نیویورک صورت گرفت، او رهبری فلسطین را متهم کرد که بارها فرصت‌های ۴۰ سال گذشته را از دست داده و تمامی پیشنهادها را رد کردند. طبق گزارش کانال ده اسرائیل،^۶ ولیعهد سعودی شنوندگان خود را با گفتن این جملات شگفت‌زده کرد: «اکنون زمانی

1. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

2. Brookings Institution

3. Atlantic Council

4. Middle East Institute

5. Richard A. Clarke

6. Channel Ten

است که فلسطینی‌ها یا باید پیشنهادات را بپذیرند و به میز مذاکره بیایند؛ یا دهان‌شان را ببندند و شکایت‌کردن را بس کنند». بن‌سلمان هم‌چنین تأکید کرد که «مسئله فلسطین در اولویت دولت او و مردم عربستان نیست... مسائل بسیار مهم‌تر و فشرده‌تری داریم که به آن برسیم؛ مانند ایران» (Eldar, June 2018). این امر در الگوی رفتاری دولت‌های عربی در قبال طرح معامله قرن^۱ دولت ترامپ از عینیت بیشتری برخوردار شد. به‌موجب این طرح، آمریکا بیت‌المقدس را به‌عنوان قلمرو اسرائیل محسوب خواهد کرد و حاکمیت ادعایی این رژیم بر جولان اشغالی را نیز به‌رسمیت می‌شناسد. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، مصر و اردن نیز هریک چتر حمایت سیاسی و مالی از این ابتکار را به‌عهده می‌گیرند (Asseburg, 2019: 3). حضور سفرای امارات، بحرین و عمان در مراسم رونمایی از طرح یادشده به‌وضوح موضع سازش‌گرانه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در قبال مسئله فلسطین را نشان می‌دهد. عربستان سعودی و مصر نیز موافقت خود را با این طرح اعلام کرده‌اند. در همین ارتباط، وزارت خارجه سعودی در بیانیه‌ای از «تلاش‌های دونالد ترامپ برای ایجاد صلح میان فلسطین و اسرائیل» حمایت کرد (یورونیوز، ۲۹/۰۱/۲۰۲۰).

۳-۵. تعقیب اهداف و منافع اقتصادی در ایالات متحده

چنان‌چه اشاره شد، تلاش‌های اولیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای لابی‌گری در آمریکا با هدف دفاع از مواضع عربی بر سر قضیه فلسطین و متقاعد کردن هیأت حاکمه آمریکا برای همراهی با آن سازمان‌دهی گردید. این لابی مدت طولانی‌ای فعال نبود و پس از مدت کوتاهی متلاشی شد و جای خود را به مجموعه‌ای موسوم به پترودیپلماسی^۲ داد که هدف از شکل‌گیری آن تقویت مواضع کشورهای عربی به‌خصوص در زمینه نفت بود (طباره، ۱۳۸۹). تحریم نفتی ۱۹۷۳ کشورهای عربی علیه غرب نیز لابی اعراب را به سخنگوی رسمی و فعال آنها مبدل نمود (Scholten, 2017: 24). از آن زمان تاکنون، دیپلماسی نفتی یا پولی (پترودلار) به یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی این کشورها تبدیل شده است (احمدیان، ۱۳۹۵: ۹۹). در واقع، اهرم نفت به‌عنوان ابزاری مؤثر در جهت افزایش توان چلنه‌زنی در عرصه معادلات منطقه‌ای و جهانی عمل نموده است. با این حال، کاهش واردات نفتی آمریکا از عربستان به کمتر از ۵۰ درصد در طول سال ۲۰۱۴ در نتیجه تحول در صنعت نفت شیل^۳ در زمره عواملی بوده که سبب شده اعضای شورای همکاری احساس کنند اهرم‌های نیرومند خود برای اعمال نفوذ بیشتر بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را از دست داده‌اند (بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

۳-۵. خنثی‌سازی دستورکارها و تصویرسازی‌های منفی ضدعربی

نشانه‌هایی چون اثبات نقش سعودی‌ها در حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۱۵ نفر از ۱۹ هواپیماربا تبعه سعودی بودند)، جانبداری ایالات متحده از اسرائیل در منازعه اعراب-اسرائیل، مقوله حقوق بشر و سطح و میزان حمایت از متحدان حاشیه جنوبی خلیج فارس از سوی ایالات متحده در زمره محورهای مورد اختلاف دو طرف بوده است. ماجرای قتل جمال خاشقچی^۴، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول نیز

1. The Deal of the Century

2. Petro-Diplomacy

3. Shale oil

4. Jamal Khashoggi

لطمانت فراوانی به وجهه این کشور در ایالات متحده وارد کرد. به‌عنوان مثال، گروه گلور پارک^۱ و لابی گران آن در پی ماجرای قتل خاشقچی، ارائه خدمات به عربستان سعودی را متوقف نمودند (Open Secrets, 2018).
جابه‌طلبی‌های منطقه‌ای اعضای شورای همکاری در چارچوب بحران انسانی برآمده از حملات هوایی ائتلاف نظامی به یمن و اعزام نیروهای سپر جزیره^۲ به بحرین به‌منظور سرکوب جنبش مردمی این کشور نیز گواه دیگری بر نقض حقوق بشر از سوی این کشورها می‌باشد. واضح است که مقابله با تصویرسازی‌های منفی در حوزه‌های یادشده مستلزم لابی‌گری فعالانه تمامی این کشورها در صحنه سیاسی ایالات متحده است.

۵-۵. اختلافات درونی اعضای شورای همکاری خلیج فارس

برکناری رکس تیلرسون^۳ از سمت وزیر خارجه ایالات متحده در زمره مواردی است که جورج نادر،^۴ مشاور سیاسی حاکم دوفاکتوی امارات (محمد بن زاید) و هم‌چنین الیوت برویدی^۵ بازرگان وابسته به امارات متحده عربی و از حامیان مالی ترامپ در انتخابات در آن نقش محوری ایفا نمودند (Kirkpatrick and Mazzetti, March 2018). بررسی متن ایمیل‌های برویدی نشان می‌دهد که او با ترامپ دیدار داشته و از وی اخراج تیلرسون را خواستار شده است. در همین ارتباط، «عبدالخالق عبدالله» استاد علوم سیاسی دانشگاه امارات متحده عربی و مشاور محمد بن زاید، ولیعهد امارات، ساعاتی پس از برکناری تیلرسون، توثیق کرد: «تاریخ به یاد خواهد داشت که یک کشور خلیج فارس (اشاره به امارات) در بیرون انداختن وزیر خارجه کشوری بزرگ نقش داشته؛ این مشت‌ی از خروار است». برکناری تیلرسون و نقش امارات در آن به دلیل تلاش‌هایی بوده که تیلرسون برای حل بحران قطر انجام می‌داده است (عرب، ۱۳۹۷: ۷).

در نقطه مقابل، قطر نیز تلاش داشته تا از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در پروسه لابی‌گری در ایالات متحده چنین تلاش‌هایی را تعدیل نماید. «پاتریک تروز»، سفیر پیشین آمریکا در قطر در دولت بیل کلینتون معتقد است قطری‌ها در حال ایفای بازی «گرفتن توپ» هستند. آنها قبل از بحران با عربستان سعودی حضور حداقلی در زمینه لابی‌گری داشتند. در همین زمینه، پرونده‌های وزارت دادگستری آمریکا نشان می‌دهد دولت قطر تا پیش از قطع روابط عربستان سعودی و متحدانش با این کشور، کمتر از ۳۰۰ هزار دلار در ماه برای لابی‌گری هزینه می‌کرد، اما با استخدام سه شرکت دیگر، آنها دست‌کم ۱.۴ میلیون دلار در ماه هزینه می‌کنند (Meyer and Toosi, 2017). قطر هم‌چنین برخی افراد نزدیک به دونالد ترامپ را استخدام کرده و وعده داده میلیاردها دلار در ایالات متحده سرمایه‌گذاری یا تجارت کند. بررسی مقایسه‌ای هزینه‌های لابی‌گری قطر به‌موجب دو مقطع زمانی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ و سال ۲۰۱۷، افزایش ۳ برابری را نشان می‌دهد (۸/۵ میلیون دلار برای دوره اول و ۲۴ میلیون دلار برای دوره دوم) (Delevingne and et al, July 2018).

۵-۶. تصویرسازی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران

یکی دیگر از اهدافی که کشورهای عربی دنبال می‌کنند، برقراری توازن قوا و برتری‌جویی منطقه‌ای نسبت به ایران است؛ به همین دلیل این کشورها سعی می‌کنند در حوزه سیاسی و نظامی با مسئولان آمریکایی لابی کنند

1. Glover Park Group

2. Peninsula Shield Force

3. Rex W. Tillerson

4. George Nader

5. Elliott Broidy

تا حمایت آنان را جلب کنند و ایران را در موضع ضعف قرار دهند. به‌عنوان نمونه، تصور غالب در کشورهای عربی دربارهٔ برجام این بود که با این توافق فاصلهٔ آمریکا با ایران در حال کاسته شدن است و این به تنزل جایگاه اعراب منجر خواهد شد. به همین علت کشورهای عربی یکی از مخالفین توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ بودند که تلاش کردند این توافق را ملغی کنند. نشریه «محافظه‌کاری امریکایی»^۱ در مطلبی با عنوان «طرح لابی عربستان برای انهدام توافق ایران» به لابی مسکوت و پنهان این کشور برای به شکست کشاندن توافق‌ها با ایران پرداخته است (عرب، ۱۳۹۷: ۷). لابی سعودی در آمریکا با حمایت از دیدگاه حداقلی در صدد طرح و برجسته‌سازی این تصویر بوده که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با غرب و به‌ویژه ایالات متحده کنار آید. در مرحلهٔ بعد از انعقاد برجام، عمدهٔ فعالیت‌های لابی‌گرانهٔ کشورهای عربی حاشیهٔ خلیج فارس معطوف به تخریب برجام، تحت‌الشعاع قرار دادن موفقیت و دوام آن در افکار عمومی، کاهش بهره‌مندی ایران از مزایای این توافق، اصلاح آن و تأثیرگذاری بر آراء و نقطه‌نظرات اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر ایالات متحده در این خصوص بود (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱). عربستان سعودی در کنار شریک جدید غیررسمی خود یعنی اسرائیل در زمرهٔ پرهیاهوترین کشورهای لابی‌گر در برابر توافق هسته‌ای بودند (Guyer, 2019).

^۱. the American Conservative

نتیجه‌گیری

لابی‌گری در مسیر تأثیرگذاری و شکل‌دهی به روندهای سیاستگذاری در ایالات متحده روش‌های متنوعی چون لابی‌گری از طریق سفارتخانه‌ها، لابی‌های ثبت‌شده به‌عنوان نمایندگان خارجی، لابی‌گران فردی، شرکت‌های نفتی و حمایت مالی از اندیشکده‌های امریکایی را به‌کار گرفته است. اهداف این لابی نیز با عنایت به منافع کشورهای عضو آن تعیین می‌گردد؛ چنان‌چه بررسی موردی هر یک از لابی‌ها نشان داد، پادشاهی‌های عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین با عنایت به اصول و الگوهای رفتاری مشابه، عمدتاً به‌لحاظ روش و اهداف در مسیر مشابهی حرکت نموده‌اند. در این میان، سعودی‌ها و اماراتی‌ها بیشترین هزینه‌های لابی‌گری در امریکا را داشته‌اند. در رابطه با قطر با عنایت به سیاست خارجی تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه ناشی از روی کار آمدن حمدبن خلیفه و به‌ویژه از زمان آغاز بحران قطر، بخش قابل توجهی از توان لابی‌گری این کشور صرف مقابله با تحرکات ضدقطری ریاض، ابوظبی و منامه شده است. عمان و کویت نیز با عنایت به جهت‌گیری سیاست خارجی خود کمترین سطح لابی‌گری را در مقایسه با سایر کشورهای شورای همکاری داشته‌اند. به‌طور خاص، با عنایت به جهت‌گیری بی‌طرفی در سیاست خارجی عمان، این کشور از لابی‌گری ضد کشورهای منطقه خودداری کرده و عمدتاً در راستای حل و فصل اختلافات منطقه‌ای گام برداشته است. چنین واقعیت‌هایی دستورکارهای لابی‌اعراب را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. دستورکارها و اهداف لابی‌های عربی حاشیه خلیج فارس در آغاز در چارچوب غیریت‌سازی در برابر اسرائیل سازمان‌دهی شده بود اما در نتیجه تغییر در سیاست‌های اعضای شورای همکاری در این خصوص به‌تدریج اهداف اقتصادی و حمایت از راه‌حل دودولتی در رابطه با مناقشه اسرائیل - فلسطین جایگزین دستورکار اولیه اعراب گردید. با این حال، دو موضوع ایران و اختلافات درونی شورای همکاری در سال‌های اخیر بیش از هر موضوعی در کانون لابی‌گری اعراب در ایالات متحده قرار داشته است. در مورد ایران، تصویرسازی منفی در قالب موضوعاتی چون برنامه هسته‌ای، قدرت موشکی و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و در همین خصوص پیوند قابل تأملی میان لابی اسرائیل و لابی کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس ایجاد گردیده است.

منابع

فارسی

- احمدیان، حسن (۱۳۹۵)، تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان؛ آورده‌های ملک سلمان، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هشتم، شماره ۴، صفحات ۹۷-۱۲۲.
- افشاریان، رحیم و جوادی‌ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۷)، لابی اعراب و گسترش اسلام‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا، **فصلنامه روابط خارجی**، سال دهم، شماره ۱، صفحات ۷-۴۴.
- آدمی، علی؛ نظیفی، نازنین و بیژن، عارف (۱۳۹۷)، اسرائیل و عربستان سعودی: عصری جدید از همکاری دو جانبه، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۷، صفحات ۱۹۹-۲۲۷.
- آلموند، گابریل و پاول، بینگهام (۱۳۸۱)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بهرامی‌مقدم، سجاد (۱۳۹۷)، همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا-عربستان در خاورمیانه، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۶، صفحات ۲۷۵-۳۰۰.
- تری، جنیس (۱۳۸۸) **سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، نقش لابی‌ها و گروه‌های ذینفوذ**، ترجمه ارسلان قربانی و رضا سیمبر، تهران: انتشارات سمت.
- رنجبر، احمد (۱۳۸۴)، نقش لابی‌گری در فرایند قانونگذاری و امکان قانونمندکردن آن، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، شماره ۵۰، صفحات ۴۳۶-۴۲۳.
- حسینی‌متین، سیدمهدی (۱۳۹۱)، **رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد**، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خبرگزاری تابناک (۱۳۹۷/۰۲/۲۲)، دیدار سفرای امارات متحده عربی و بحرین با نتانیاهاو با محوریت مقابله با ایران، <https://www.tabnak.ir/fa/news/798565>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷/۰۳/۲۶)، **تداوم بازداشت فعالان مدنی در بحرین/ توسل منامه به لابی آمریکا**، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/26/1750664>
- سامت، دانیل (۱۳۹۸)، **دوبی، جایی برای تلطیف روابط اعراب و اسرائیل**، ترجمه علیرضا علیپور، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1983226/>
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۶)، **استراتژی آمریکا نسبت به ایران چیست؟**، سلیت دیپلماسی ایرانی، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1972178/>

- سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (۱۳۹۳)، بررسی آپیک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۱، صفحات ۳۴-۹.
- سیمبر، رضا؛ پیرمحمدی، سعید و لطفی، کامران (۱۳۹۷)، نقش لابی سعودی در روند امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۴۰، صفحات ۱۰۶-۷۱.
- طباره، ریاض، (۱۳۸۹)، تشکیل لابی عربی در آمریکا از رویا تا واقعیت، سایت دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/8935>
- عسکری، حمید، (۱۳۹۵)، افول لابی سعودی، بازیابی شده از: <http://press.jamejamonline.ir/newspreview/2412436294759866837>
- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، منطق سیاست خارجی آمریکا؛ نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داود غرایق‌زندی و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشرق‌نیوز (۱۳۹۳/۱۲/۰۶)، لابی عربی چیست و چه نقشی در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا دارد؟ <https://www.mashreghnews.ir/news/379180/>
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.
- یورونیوز (۲۰۲۰/۰۱/۲۹)، فلسطین در معامله قرن؛ موافقان و مخالفان طرح ترامپ کیستند؟ قابل دسترسی در: <https://farsi.euronews.com/2020/01/29/who-are-the-supporters-and-opponents-of-the-trump-peace-plan-palestine>

انگلیسی

- Abadi, Jacob (2019), Saudi Arabia's Rapprochement with Israel: the National Security Imperatives, Middle Eastern Studies, Vol. 55, No. 3.
- Ahmadi, Alireza (2014), Israel Lobby in the US and Iran- P5+1 Negotiations, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 5, No. 1.
- Ahmed, Omar (2019), The UAE lobby in America lacks legitimacy, The Middle East Monitor, October 28.
- Al Jazeera News, (2019), Report outlines UAE's 'immensely influential' lobbying in US, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2019/10/report-outlines-uae-immensely-influential-lobbying-191016141913262.html>
- Ambrosio, Thomas (2002), Ethnic Identity Groups and U.S. Foreign Policy. London: Praeger.
- Asseburg, Muriel (2019), The "Deal of the Century" for Israel-Palestine, SWP Comment, NO.20.
- Bard, Mitchell (2010), The Arab Lobby: The Invisible Alliance that Undermines America's Interests in the Middle East, New York: HarperCollins.
- Blas, Javier; Martin, Matthew and Narayanan, Archana (2019), Aramco Unveils Financial Secrets of World's Most Profitable Firm, Bloomberg, April 1.
- Bocchi, Alessandra (2019), Following the Money: Why is the Saudi Lobby so Powerful in America? <https://www.albawaba.com/insights/following-money-why-saudi-lobby-so-powerful-america-1324722>
- Clifton, Eli (2017), Hacked Emails Reveal Close Ties Between UAE and Anti-Iran/Qatar Advocacy Groups, LobeLog, July 21.
- Clifton, Eli (2019), Large Payments to Bolton Might Explain His UANI Tweet, LobeLog.

- The Guardian (2019), Why Israel is quietly cosyng up to Gulf monarchies, <https://www.theguardian.com/news/2019/mar/19/why-israel-quietly-cosying-up-to-gulf-monarchies-saudi-arabia-uae>
- Westall, Sylvia (2019), Inside the UAE's lobbying efforts to lift European weapons-export bans, Reuters.